

جایگاه حضرت فاطمه و مریم علیهما السلام در آیات و روایات

<?xml encoding="UTF-8?>



مقدمه

خداوند متعال دارای تقدس اصیل و ذاتی است و برخی از اشخاص و اشیاء به میزان انتساب خاص به خداوند متعال و تجلی خداوند در آنها و تجلی خدایی آنها از قداست نسبی برخوردارند. از میان مردان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از میان زنان، فاطمه زهرا علیها السلام دارای بالاترین تقدس بعد از خداوند متعال می‌باشند. رفتار و گفتار رمزآلود پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نسبت به فاطمه زهرا علیها السلام و آیات قرآنی که به کنایه از آن حضرت یاد کرده و یا در شأن ایشان نازل شده و کلمات معصومین علیهم السلام به روشنی تقدس بانوی اسلام را بیان می‌کند. مقایسه میان حضرت زهرا علیها السلام و حضرت مریم (س) نیز روشن می‌نماید که اگر حضرت مریم (س) به خاطر صفاتی که در قرآن آمده مقدس بود، فاطمه زهرا علیها السلام به طریق اولی مقدس‌تر است. قرآن نزدیک به بیست ویژگی برای حضرت مریم بیان کرده و روایات اسلامی آنها را به نزدیک چهل ویژگی رسانده است. در قرآن، روایات و تاریخ اسلامی همین چهل ویژگی در رتبه بالاتر و شدت بیشتر برای فاطمه علیها السلام ثبت شده است.

در مقاله حاضر، چهل ویژگی در حضرت مریم (س) طبق آیات و روایات اسلامی برشمرده شده و با بیان آیات و روایات و اقوال تاریخی نشان داده شده که آن ویژگیها در حضرت فاطمه علیها السلام نیز وجود داشته‌است. بدون تردید هر گام در شناخت فاطمه زهرا علیها السلام گام ما را در تبعیت و الگوپذیری از آن بانوی مقدس استوارتر می‌سازد و خدمتی به اسلام و فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشد که مزد آن تسهیل و تسریع در عبور از پل صراط است. متأسفانه صاحبان حقه‌ها و کینه‌ها در صدر اسلام با انگیزه خنثی‌سازی مبارزات فاطمه زهرا علیها السلام در دفاع از رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامت حضرت علی علیه السلام به قداست‌پوشی فاطمه زهرا علیها السلام دست زدند. آنان نه تنها قداست فاطمه علیها السلام را منتشر نکردند، بلکه کتمان هم کردند. آن کینه‌ها در بستر جهل و تعصب در عالم اسلام جاری شد و تقدس‌پوشی استمرار پیدا کرد و تا آنجا پیش رفت که عقاید بدعت‌آمیزی مانند شرک بودن زیارت قبور و احترام مؤمن بعد از مرگ وارد اسلام شد و بسیاری از آثار مقدس اسلامی در سرزمین اسلام از میان رفت.

مخاطب اصلی مقاله حاضر، نخست آن دسته از مسلمانان است که هنوز تقدس فاطمه زهرا علیها السلام را درک نکرده‌اند و ثانیاً کسانی که پس از درک قداست آن بانو، مطامع سیاسی، جناحی یا هوس روشنفکرانمایی آنان باعث شده که قداست آن بانو را فراموش کنند یا قداست حضرت زهرا علیها السلام را به پشت پرده تعدد قرائات دین برانند. ثالثاً مقاله به کسانی نظر دارد که تشنه آگاهی از جایگاه زن در آیین اسلام می‌باشند.

جواز مقایسه میان مریم (س) و فاطمه علیها السلام

یکی از بهترین روشهای شناخت بزرگان، مقایسه و مقارنه میان شخصیت، نظریات، رفتار و گفتار آنان و دوستان و

دشمنان ایشان می‌باشد. اما این سؤال مطرح است که آیا مقایسه میان حضرت مریم(س) و حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام جایز و بایسته است؟

پاسخ این سؤال مثبت است، چون در طول تاریخ به مناسبت‌های مختلف معصومین علیهم‌السلام و اولیاء میان آن دو بانوی برگزیده مقایسه به عمل آورده‌اند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله اولین شخصی است که بارها با مقایسه فاطمه علیهاالسلام با مریم(س) عظمت و برتری فاطمه علیهاالسلام بر مریم(س) را به مسلمانان، بلکه بشریت تفهیم می‌نمود(1). بعد از آن جناب خود حضرت زهرا است که از پدر گرامیشان سؤال می‌کنند: «ای پدر آیا من بهترم یا مریم؟! رسول خدا جواب می‌دهد: تو در میان قوم و امت اسلامی بهترین هستی و مریم در میان قوم خود»؛ «یا أبه أنا خیر أم مریم؟ فقال رسول الله صلی الله علیه وآله : أنت فی قومک و مریم فی قومه»(2).

در کلمات امام صادق علیه‌السلام و امام باقر علیه‌السلام بیشترین مقایسه میان مریم(س) و فاطمه زهرا علیهاالسلام به چشم می‌خورد(3). از بزرگان صدر اسلام جناب ام سلمه که در مسجد پیامبر پس از اهانت ابوبکر به دفاع از زهرا علیهاالسلام می‌پردازد و می‌فرماید: «فاطمه بهترین و برگزیده زنان و مادر جوانان اهل بهشت و عدیله و نظیر مریم است»(4). باز حسان بن ثابت که در شعر مقایسه کرده و گفته است:

و ان مریم أحصنت فرجها* و جائت بعیسی کبدر الدجی

فقد أحصنت فاطمة بعدها* و جاءت بسبیطی نبی الهدی(5)

هی البتول الطهر و العذراء* کمریم الطهر و لا سواء

او بتول، طاهر و عذراء است؛ مانند مریم طاهره، ولی این دو یکسان نیستند(6).

شاعری دیگر چنین سروده است:

إن قیل حواء قلت: فاطم فخرها* أو قیل مریم قلت: فاطمة افضل

اگر گفته شود حوا، گویم فاطمه افتخار وی است و اگر گفته شود مریم، گویم فاطمه برتر از اوست.

أفهل لحواء والد کمحمدٍ؟* أم هل لمریم مثل فاطمة أشبُل

آیا حوا را پدری مانند محمد صلی الله علیه وآله می‌باشد؟ و آیا برای مریم مانند فاطمه، شیرچگانی است.

کلّ لها حین الولادة حالة* منها عقول ذوی البصائر تذهل

برای هر یک از آنان به هنگام تولّد حالتی است که از آن حالت عقول صاحبان خرد می‌روند(7).

جناب دکتر بی‌آزار شیرازی در مقاله‌ای میان آن دو زن به طور موجز، سیزده مورد مقایسه به عمل آورده است(8).

شایستگی بیشتر فاطمه علیهاالسلام برای تقدس

بیشتر اوصافی که قرآن و روایات برای حضرت مریم(س) برشمرده‌اند به طریق اولی در فاطمه زهرا علیهاالسلام وجود داشت که در ضمن مقایسه آن دو بانو خواهد آمد. در رفتار و گفتار شگفت و رمزآلود پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در باره فاطمه زهرا علیهاالسلام پیام مهمی برای مسلمانان و جامعه بشری نهفته است. آن پیام عبارت است از اعلام بالاترین تقدس برای فاطمه علیهاالسلام و معیار قرار دادن آن حضرت در سنجش ایمان قلبی و دینداری مسلمانان. قرآن با تعبیر شگفت «نساءنا» (زنان ما) از فاطمه زهرا علیهاالسلام در آیه مباهله بیان می‌کند که فاطمه علیهاالسلام تجلی اوصاف نیک زنان بهشتی بوده، تقدس همه آنها در او جمع است. با این همه بسی جای تأسف است که عده‌ای از مسلمانان در صدر اسلام با آگاهی از تقدس آن بانو در مقابل

ثمنی بخش، نه تنها قداست فاطمه زهرا علیهاالسلام را به بشریت اعلام و تثبیت نکردند، بلکه آن را کتمان نمودند. آنان برای حفظ حکومت غاصبانه مهم‌ترین مانع یعنی فاطمه علیهاالسلام را ترور شخصیت و شخص نمودند و از طرف دیگر برای عقده‌گشایی‌ها و بالا بردن عایشه نگذاشتند قدر آن بانوی مقدس شناخته و معهود گردد.

متأسفانه آنان با آن کتمان و ترور نه تنها به اسلام جفا کردند، بلکه بر بشریت ظلم روا داشتند؛ زیرا اگر امروز فاطمه علیهاالسلام همانند مریم(س) در میان تمام مسلمانان به عنوان فاطمه مقدس مشهور و معهود بود، بالاترین نماد و دلیل مبنی بر احترام اسلام به زن در اختیار مسلمانان بود. آنان مهم‌ترین معیار سنجش دینداری و تقرب به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را از مسلمانان گرفتند.

بسی مایه تعجب است که امروز هیچ مسیحی نیست که مریم را به عنوان مقدس نشناسد و نام نبرد، اما با کمال تأسف نگارنده با یک افسر مصری در کنار خانه کعبه در سال 1376 ملاقات و گفت و گو نمود و معلوم گردید او اصلاً فاطمه زهرا علیهاالسلام را نمی‌شناسد و نمی‌داند پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین دختری داشته است؟!

در میان پیروان مسیح نیز اختلاف و شکافی عمیق پدید آمده است. پروتستانها اختلافات فراوانی با کاتولیکها دارند و حتی میان آنها نزاعهای خونین در گرفت که هنوز ادامه دارد. لوتر به عنوان رهبر پروتستانها که با تقدس‌زدایی از کلیسا و کشیشها مبارزه خود را علیه کاتولیکها شروع نمود، هرگز در صدد برنیامد که تقدس حضرت مریم یا حضرت مسیح را نفی کند، بلکه در بالاترین حد به تقدس حضرت مریم اعتراف دارد و تأکید می‌کند. با تمام اختلافاتی که در میان مسیحیها وجود دارد روی تقدس مریم اتفاق نظر دارند، لذا چه کاتولیک و چه پروتستان در گرفتاریها ندا می‌دهد: ای مریم مقدس. این در حالی است که فاطمه زهرا علیهاالسلام برای مقدس‌بودن شایسته‌تر و سزاوارتر است، اما متأسفانه برخی بعد از رحلت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از سر غرض یا جهل بعد از غصب خلافت و خانه نشین کردن علی علیه‌السلام به تقدس‌زدایی از فاطمه علیهاالسلام اقدام کردند.

تأسف‌آورتر اینکه امروزه برخی از روشنفکران مسلمان حتی شیعی، با تقلید از لوتر، به گمان خود به دنبال نهضت اصلاح دینی و پروتستان‌تیسیم اسلامی هستند، اما هرگز حد لوتر را نگه نداشته، اعتقادی به تقدس فاطمه زهرا علیهاالسلام از خود نشان نمی‌دهند.

مقایسه فاطمه مقدس علیهاالسلام با مریم مقدس(س)

1 - شرافت خانوادگی

مریم از خاندان ماثان از فرزندان حضرت داوود علیه‌السلام بود و عمران پدر مریم، بزرگ این خاندان پیش از عهد هیروودوس(9) و از خانواده نبوت و دیانت بود(10).

در شرافت خانوادگی حضرت مریم همین بس که حضرت عیسی علیه‌السلام از پیامبران بزرگ و ولیده آن خانواده است. خداوند سوره مریم را به نام این خانواده نام نهاده و چندین بار از این خانواده سخن گفته است. در آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ»(11) این خانواده را یکی از چهار خانواده برگزیده معرفی کرده است.

در بیان شرافت خانوادگی حضرت فاطمه نیز سخن بسیار و امری روشن برای مسلمانان است. طبق روایت امام رضا علیه السلام (12) و روایات (13) دیگر، آل ابراهیم در آیه یاد شده - خانواده پیامبر اکرم - از چهار خانواده برگزیده است.

افزون بر اینکه بدون هیچ تردیدی خداوند در آیه تطهیر (14) از اهل بیت رسول به صراحت یاد کرده است و در سوره ابراهیم با تعبیر شجره مبارکه (15) و بیوت در آیه «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (16) به خانواده حضرت فاطمه اشاره کرده است. خداوند سوره دهر یا هل اُتی را در باره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل فرموده است (17). از همه مهم تر اینکه خداوند اجر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را عشق به خاندان محمد (قربی) قرار داده و فرموده است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (18).

صاحب الغدير نه روایت از طریق اهل سنت با اسناد آن آورده است که در آیه یاد شده مراد از قربی، اهل بیت رسول اکرم است (19). در روایات حتی به طرق اهل سنت آمده است که آل محمد همان صادقون (20) در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (21) و سابقون (22) در آیه شریفه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ. أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (23) و صراط مستقیم (24) در آیه «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (25) می باشند. بدون تردید شرف هر خانواده به شرافت پدر، مادر و فرزندان است که در ادامه به بحث در این باره می پردازیم.

2- پدر

عمران پدر حضرت مریم بود که قبل از تولد حضرت مریم درگذشت (26). نام او در قرآن آمده است: «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ» (27). طبق گزارش ابن اسحاق، نسب او با چهارده واسطه به حضرت داوود علیه السلام می رسد و او را صاحب صلاه بنی اسرائیل خوانده اند (28). او از بندگان مؤمن و پاک خداوند بود. مورخان او را از روحانیون و کاهنان بزرگ زمان خود معرفی کرده اند (29)، اما با توجه به وحی الهی به عمران، بر طبق دلالت روایت امام صادق علیه السلام و تصریح امام باقر علیه السلام، از پیامبران قوم خود بوده است (30). اما پدر فاطمه زهرا علیها السلام محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله، برترین پیامبران الهی (31) و خاتم آنان بود.

3 - مادر

مادر حضرت مریم حنه همسر عمران از زنان عبادتگر زمان خود بود (32). خداوند متعال در قرآن از او به بزرگی یاد کرده است: «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ...» (33) حدود سی سال (34) صاحب فرزند نمی شد، تا اینکه با قلبی شکسته از خداوند درخواست نمود و آن گاه با لطف الهی (35) باردار شد. او به شکرانه این نعمت با نیت خالص نذر نمود که فرزند عزیز خود را معتکف و خدمتگزار بیت المقدس قرار دهد: «إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا» او نذر خود را ادا کرد. شرف ایشان وقتی معلوم می شود که خداوند اعلام داشت که نذر او را به نیکی قبول کرده است: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ» (36).

اما مادر فاطمه زهرا علیها السلام حضرت خدیجه سلام الله علیه است. قرآن به کنایه از آن حضرت یاد می کند: «وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى» (37). مرحوم مجلسی طبق روایات می گوید که این آیه شریفه به حضرت خدیجه اشاره دارد (38). ابن عباس در تفسیر این آیه می فرماید: «خداوند پیامبر را فقیر یافت و مردم می گفتند پیامبر مالی

ندارد؛ پس خداوند با مال خدیجه وی را غنی و بی‌نیاز گرداند.» (39)

در شرافت حضرت خدیجه همین بس که او اولین زنی بود که اسلام آورد و رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را تصدیق نمود و تا آخرین لحظه در کنار رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ماند و برای ایشان کمک‌کار و دلسوز و مهربان بود. پیامبر فرمود: «دین اسلام به وسیله دو عامل استوار شد؛ یکی شمشیر علی علیه‌السلام و دیگر مال خدیجه علیها‌السلام.» (40) او تمام اموال خود را وقف اسلام و اهداف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نمود. در روایات آمده است که او یکی از چهار زن برگزیده (41) و بهشت مشتاق اوست (42). او بعد از مرگ، همدم مریم و آسیه خواهد بود (43).

آن حضرت این شرف را داشت که نطفه آخرین دخترش فاطمه علیها‌السلام از مائده بهشتی (44) باشد و در هنگام حزن و نگرانی نسبت به رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در زمان بارداری، فرزندش فاطمه علیها‌السلام از باطن او با او سخن گوید و به او دل‌داری دهد (45).

4- آگاهانیدن پدر به پاکی فرزند قبل از ولادت

خداوند قبل از انعقاد نطفه و ولادت حضرت مریم از طریق بشارت ولادت فرزندش عیسی علیه‌السلام خبر داد که فرزندش سالم و مبارک به او هدیه خواهد کرد؛ پسری که به اذن پروردگار بیماران را شفا خواهد داد و مردگان را زنده خواهد کرد و او را رسول خود قرار خواهد داد (46). اما ولادت حضرت فاطمه علیها‌السلام به طور مستقیم به پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در معراج و در زمین و حتی چگونگی شکل‌گیری او از طعام بهشتی خبر داده شد (47). خداوند قبل از ولادت فاطمه علیها‌السلام به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خبر داد که شکم خدیجه ظرف امامت است. پیامبر به مناسبتی به فاطمه زهرا علیها‌السلام فرمود: «إِنَّ بطنَ أُمِّكَ كانَ للإمامةِ وعاءاً»؛ یعنی شکم مادر تو ظرف امامت بود (48).

5- قابله و پرستار هنگام تولد

هنگام ولادت، قابله حضرت مریم و پرستار مادرش همسر حضرت زکریا به نام الیزابت بود، اما قابله فاطمه زهرا علیها‌السلام چهار زن بهشتی به نام حضرت حوا، آسیه، کلثوم خواهر موسی و حضرت مریم بودند (49).

6- نامگذاری آسمانی

نامگذاری حضرت مریم توسط مادر ایشان صورت گرفت: «إِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ» (50) و مریم به معنای عابد یا خدمتگزار است.

اما اسم فاطمه علیها‌السلام از جانب خداوند متعال تعیین گردید. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «برای فاطمه نزد خداوند نه اسم است. آنها عبارت‌اند از: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و زهرا.» (51)

امام باقر علیه السلام در روایت دیگر می‌فرماید: «هنگامی که فاطمه زهرا علیها السلام ولادت یافت خداوند متعال به فرشته‌ای وحی نمود تا این نام (فاطمه) را بر زبان محمد صلی الله علیه وآله جاری نماید؛ لذا حضرت او را فاطمه نام نهاد.» (52)

از اهل سنت قسطلانی، زرقانی، غسانی، خطیب بغدادی و حافظ دمشقی با نقل روایت اعتراف کرده‌اند که اسم فاطمه از طرف خداوند بوده است (53).

7 - رویش نیکو و مبارک

خداوند درباره حضرت مریم فرمود: «وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» (54). مراد این است که به مریم و فرزند او رشد و پاکیزگی داده شد و به او و هر یک از ذریه و شاخه‌ای که از تنه درخت وجودی او می‌روید، حیاتی افاضه شد که آمیخته با نفس شیطان و پلیدی و نفسانیات و وسوسه‌های او نباشد، خلاصه آنکه حیاتی طیب و طاهر و مستمر به او و فرزندش افاضه گردید (55) و نسل پاک او هنوز استمرار دارد و حضرت عیسی علیه السلام در حال حیات طیب است.

فاطمه زهرا علیها السلام نیز مبارکه؛ یعنی خیر، سعادت و فوزی، نافع و مقدس (56) و زکیه؛ یعنی نمو و زیادت (57) و کوثر یا خیر کثیر، کثیر الخیر و کثیر النسل (58) است.

خداوند به او و نسلش پاکی، برکت، کثرت و استمرار بخشید و عمر فرزندش حضرت بقیة الله را به استمرار عمر عیسی علیه السلام قرار داد. حضرت زهرا علیها السلام پس از شهادت، دو پسر و دو دختر بر جای گذاشت و به رغم واقعه کربلا که از امام حسن علیه السلام هفت فرزند و از زینب کبری یک فرزند و از امام حسین علیه السلام جز امام سجاد بقیه شهید شدند و ام کلثوم نیز فرزندی نداشت و نیز به رغم واقعه حره (59)، واقعه زید بن علی بن الحسین که در مقابل هشام بن عبد الملك ایستاد و سرانجام تمام همراهان او که بیشتر آنها از ذریه فاطمه علیها السلام بودند شهید شدند و واقعه فح که جنگ یکی از نوادگان امام حسن علیه السلام با بنی العباس بود و تمام آنان کشته شدند، نسل فاطمه علیها السلام به طور گسترده ادامه یافت و اسلام ناب به دست آنها تا امروز استمرار پیدا کرد و بالاخره امام عصر - روحی و ارواح العالمین لمقدمه الفداء - که از نهمین نسل فاطمه زهرا علیها السلام است، ثمره انماء و رویاندن پاک الهی می‌باشد و امروز کلمه باقیه علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام است «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ» (60)، تا حکومت الهی و مورد خواست خدا را برپا نماید.

8 - کفیل و سرپرست

پدر مریم قبل از تولّد او وفات یافت و مادرش او را نذر معبد نمود و چون نمی‌توانست سرپرستی و کفالت او را برعهده گیرد وی را به معبد سپرد. درباره کفالت او میان راهبان معبد اختلاف شد و بر اساس قرعه کفالت او بر عهده حضرت زکریای پیامبر که شوهر خاله او بود (61) قرار گرفت: «وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا» (62). اما کفیل و مربی فاطمه زهرا علیها السلام پدرشان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله مربی، معلم و هادی تمام مردم بود و تا چندین سال حضرت خدیجه، مادر آن بانو در کنارشان بود.

9- محل تربیت

محل تربیت حضرت مریم مسجد و محراب بود: «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ» (63). محل تربیت حضرت

فاطمه علیهاالسلام ، بیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جوار خانه کعبه در مکه و در مدینه خانه آن حضرت در جوار مسجد و خانه رسول اکرم بود. خداوند از تربیتگاه و خانه او در قرآن به نیکی یاد کرده و فرموده است: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ...» (64).

10- صاحب محراب

محراب جایی ویژه عبادت است؛ حال چه در مسجد باشد و چه در خانه (65). حضرت مریم دارای محرابی بود که در آن به عبادت خداوند و ستیز با پلیدی و شیطان مشغول بود: «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ» (66). حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام نیز دارای محرابی بود که پیامبر و ائمه بارها از آن سخن گفتند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «اذ قامت في محرابها زهر نورها لأهل السماء.» (67) امام حسن علیه السلام در روایتی از محراب مادر چنین یاد می کند: «رَأَيْتُ أُمِّي فَاطِمَةَ قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةَ جُمُعَتِهَا.» (68)

11- زیبایی ظاهری

امام باقر علیه السلام درباره حضرت مریم می فرماید: «او زیباترین زنان بود؛ اجمل النساء.» (69) در روایت دیگر نقل شده است که در قیامت زنانی که به خاطر زیبایی خود دچار فتنه شده اند و آن زیبایی را بهانه قرار می دهند، حضرت مریم را حاضر می کنند و از آنان می پرسند آیا شما از حضرت مریم زیباتر بودید؟! (70) در واقع زیبایی آن حضرت حجتی برای سایر زنان است. از حضرت فاطمه علیهاالسلام در قرآن به کوکب دُرّی یاد شده است (71) و طبق روایات از شدت درخشندگی چهره، آن حضرت را زهرا نامیده اند (72). پیامبر صلی الله علیه و آله درباره خلقت ایشان فرمودند: «فاطمه حوراء انسیه خلق شده است» (73)؛ یعنی او حوریه ای است به صورت انسان. از مجموع روایات به دست می آید که بانوی دو عالم، از چهره درخشنده و نورانی و پر تلالؤ بهره مند بودند. او آن چنان زیبا بود که گویی ماه شب چهارده است و پنداری که گردن وی از سپیدی مانند تَنگ بلوری می ماند، همواره متبسم بود و زمانی که تبسم می نمود دندانهایش مانند لؤلؤ منظم مشاهده می شد (74).

12- قلب پر از ایمان و یقین

حضرت مریم قلبی پر از ایمان و یقین به خداوند داشت. به همین سبب نیز خداوند درباره ایشان می فرماید: «صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ» (75). روشن است کسی که وحی الهی به پیامبران و تمام وعد و وعید و اوامر و نواهی خداوند و تمام کتب آسمانی را تصدیق می کند، قلبی پر از ایمان و یقین دارد. وجود مطهر حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام از هر نوع شرک خالی بود و قلبی که پاک و مطهر از هر نوع آلودگی و دنسی باشد پر از ایمان و یقین است. به طور خاص درباره ایمان و یقین فاطمه زهرا علیهاالسلام روایات متعددی به دست ما رسیده است. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «یا سلمان إِنْ ابْنَتِي

فاطمة ملأ الله قلبها و جوارحها ايمانا الى مشاشها تفرغت لطاعة الله.»(76)

تأمل و دقت در خطبه زهرا عليها السلام در مسجد مدینه در دفاع از فدک(77)، منزلت ایمان آن حضرت را روشن می‌سازد.

13- نیل به آخرین درجه کمال

حضرت مریم(س) و حضرت فاطمه عليها السلام هر دو به نهایت کمال ممکن دست یافته بودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مردان زیادی به نهایت کمال رسیدند، اما از زنان فقط حضرت آسیه دختر مزاحم همسر فرعون، مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد و حضرت فاطمه عليها السلام به نهایت کمال رسیدند.»(78)

14- مقام ولایت الهی

حضرت مریم چنان عبادت پروردگار نمود که خداوند به او ولایت بخشید. از همین رو در باب پیامبری او اختلاف است و جمعی از مسلمانان او را از پیامبران دانسته‌اند(79).
فاطمه زهرا نیز ولیة الله بود و مقام ولایت به او اعطا شده بود و پدرش رسول اکرم صلی الله علیه و آله همسرش علی علیه السلام و فرزندان او خود آن حضرت به آن مقام مفتخر بودند.

1

15- صدیقه و هم‌رتبه با انبیاء

حضرت مریم صدیقه بود: «وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ»(80). حضرت زهرا نیز صدیقه بود، لذا یکی از اسامی آن بانو صدیقه است. به طرق متعدد اهل سنت از عایشه نقل شده که گفت: «ما رأيتُ أصدق لهجة من فاطمه.»
پیامبر صلی الله علیه و آله در روایتی فرمود: «... ای علی علیه السلام ، همسری صدیقه مانند دختر من به تو داده شد که من چنین همسری ندارم.»(81)
امام صادق علیه السلام فرمود: «فاطمه را علی علیه السلام غسل داد، چون صدیقه را کسی جز صدیق غسل نمی‌دهد.»(82)

معانی متعددی برای صدیقه ذکر کرده‌اند:

1- بسیار راستگو؛ 2 - کسی که فراوان راست می‌گوید؛ 3 - کسی که در راستگویی کامل است؛ 4 - کسی که هرگز دروغ نگفته است؛ 5 - آن که سخن خود را باعمل خویش تصدیق می‌کند؛ 6 - کسی که آنچه خدا به او فرموده و به انبیاء خود امر نموده تصدیق می‌کند و در وحی الهی هیچ‌گاه دچار تردید نمی‌شود.

از آیات و روایات به روشنی به دست می‌آید مرتبه صدیقین در ردیف مراتب انبیاء و شهدا می‌باشد: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (83).

16- کمال علم و آگاهی

حضرت مریم از علم و آگاهی بالایی برخوردار بود. قرآن درباره ایشان می‌فرماید: «وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُنْتِهَا» (84). پر واضح است که تصدیق تمام کلمات خداوند و تعالیم وحیانی و کتب انبیاء الهی فرع بر علم و آگاهی داشتن به آنهاست و گر نه تصدیق بدون علم تصدیق نیست، بلکه جهل است. حضرت زهرا علیها السلام نیز در علم و آگاهی به کمال رسیده بود. امام باقر علیه السلام در وجه تسمیه آن حضرت به فاطمه می‌فرماید: هر آینه من (خداوند) شیر را به وسیله علم در وجود تو (فاطمه) قطع نمودم؛ «... اِنِّي فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ» (85) علاوه بر گواهی سخنان حضرت فاطمه علیها السلام به خصوص خطبه طولانی در مسجد مدینه (86)، میزان علم آن حضرت از پاسخگویی به پرسشهای زنان (87) و از تبادل افکار با علی علیه السلام و از مصحف فاطمه (88) به دست می‌آید.

عمار یاسر درباره آگاهی و علم بی‌نهایت آن حضرت نقل می‌کند: «روزی حضرت فاطمه علیها السلام خطاب به حضرت امیر علیه السلام فرمود: علی جان نزدیک بیا تا اطلاع دهم شما را از آنچه در گذشته اتفاق افتاد و آنچه در حال به وقوع پیوستن است و آنچه در آینده رخ خواهد داد.» (89) 17 - عصمت و تطهیر

خداوند هم حضرت مریم (س) و هم حضرت فاطمه علیها السلام را تطهیر نمود. قرآن درباره حضرت مریم می‌فرماید: «وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ» (90).

از اسامی حضرت زهرا علیها السلام یکی طاهر است و روشن‌ترین و بهترین سخن درباره تطهیر فاطمه علیها السلام قول خداوند متعال است که فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا» (91).

بدون هیچ تردیدی فاطمه زهرا یکی از اهل بیت و از مصادیق قطعی آیه یاد شده است. بیش از بیست نفر از بزرگان محدث و مفسر از اهل سنت اعتراف کرده‌اند که فاطمه زهرا علیها السلام جزء اهل بیت در آیه مزبور می‌باشد (92).

18- پاکی از خون زنانه

پیامبر صلی الله علیه و آله در نامه‌ای که به نجاشی می‌نویسد از مریم با صفت طیبه بتول یاد می‌کند (93). طبق سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله ، مریم مانند فاطمه علیها السلام بتول بود: «عن علی علیه السلام أن النبی صلی الله علیه و آله سئل ما البتول؟ فانا سمعناک یا رسول الله تقول: إن مریم بتول و فاطمة بتول، فقال: البتول لم

تر حمرة قطّ، ای لم تحض، فَإِنَّ الْحَيْضَ مَكْرُوهٌ فِي بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ» (94).

از رسول خدا درباره کلمه بتول سؤال شد که ای رسول خدا، شما فرموده‌اید: مریم بتول است و فاطمه نیز بتول است، فرمودند: بتول کسی است که هرگز خون ندیده؛ زیرا خونریزی ماهیانه در دختران انبیاء ناپسند است. در باره فاطمه زهرا علیها السلام احادیث صحیحی بر این معنی تصریح می‌کند. دانشمندان بزرگ اهل سنت نیز به این ویژگی حضرت فاطمه اقرار کرده‌اند (95).

قندوزی در ینابیع الموده از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می‌کند که فاطمه بتول نامیده شد؛ زیرا خدای متعال حیض و نفاس را از وی دور فرمود (96). البته پاک بودن از حیض و نفاس در خصوص فاطمه زهرا علیها السلام امری قطعی است، اما درباره مریم (س) روایات متفاوت است. در برخی روایات آمده است که ایشان هنگام عادت ماهانه از مسجد بیرون می‌رفتند (97). در این صورت بتول درباره ایشان به معنای بریدن از دنیا و ناپاکیها خواهد بود.

19

19- پاکدامنی و عفت

قرآن درباره حضرت مریم یادآوری می‌کند: «مَرْيَمُ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا» (98). این عبارت به عفت و پاکدامنی آن حضرت اشاره دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز به همین معنی درباره فاطمه زهرا علیها السلام تصریح می‌کند: «عن الرضا عن آبائه عليهم السلام قال: قال النبي صلى الله عليه وآله: أَنْ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذَرْيَتَهَا عَلَى النَّارِ.» (99) محدّثان و دانشمندان متعددی از اهل سنت این عبارت را درباره حضرت زهرا علیها السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله نقل کرده‌اند و به نهایت پاکدامنی و عفت آن بانو اعتراف کرده‌اند (100). علامه امینی شانزده نفر از بزرگان اهل سنت را نام می‌برد که حدیث مزبور را در کتب خود نقل کرده و بر آن صحه گذاشته‌اند (101).

20- فرزند پاک؛ نتیجه پاکدامنی

قرآن در باره حضرت مریم می‌فرماید: «مَرْيَمُ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَتَفَخَّخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا» (102). خداوند به دنبال پاکدامنی حضرت مریم، روح خود را در او دمید و نتیجه آن پدید آمدن حضرت عیسی علیه السلام بود.

خداوند امام حسن و امام حسین علیهما السلام را نیز به دنبال پاکدامنی حضرت زهرا علیها السلام به آن بانوی مقدس عطا فرمود. حسان این مطلب را به شعر کشیده و گفته است:

وإن مريم أحصنت فرجها* وجاءت بعيسى كبد الدجى

فقد أحصنت فاطم بعدها* وجاءت بسببى نبى الهدى (103)

21 - بشارت خداوند به فرزند

خداوند، حضرت مریم را به عیسی (کلمة الله) بشارت داد و فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ» (104).

فاطمه زهرا علیهاالسلام به حسن و حسین علیهماالسلام - دو کلمه باقیه و از کلمات تامه خداوند - بشارت داده شدند(105). در حدیث نبوی آمده است که در هنگام ولادت هر یک از دو سرور جوانان بهشت، پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه زهرا علیهاالسلام بشارت داد و پیشاپیش تبریک گفت که از او امامی متولد می شود که اهل بهشت از وی سود خواهند برد(106).

22. سفارش خدا به احسان به مادر

حضرت مریم بعد از شش ماه بارداری حضرت عیسی علیه السلام را به دنیا آورد(107) و ایشان به اذن الهی در گهواره کودکی سخن گفت: «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ... وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي... وَ بَرًّا بِوَالِدَتِي...»(108)؛ یعنی... من عبد الله هستم و خداوند مرا هر کجا که باشم مبارک قرار داده و مرا به... و احسان و نیکی به مادرم توصیه کرده است.

حضرت فاطمه علیهاالسلام نیز بعد از شش ماه بارداری حضرت حسین علیه السلام را به دنیا آورد(109) و قبل از آنکه حسین علیه السلام فرزندی به نام عبد الله داشته باشد به جهت کمال و اوج عبودیت خدا کنیه ابا عبد الله را به وی دادند و آیه شریفه: «وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا»(110) در شأن او و مادر مقدسش نازل گردید(111).

23. واسطه الحاق نسل به انبیاء

از آنجا که حضرت مریم شوهر نداشت واسطه الحاق حضرت عیسی علیه السلام به نسل انبیاء بود. قرآن می فرماید: «... وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُونُسَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ. وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى وَ عِيسَى...»(112)؛ یعنی از اولاد ابراهیم، داوود، سلیمان و... عیسی... بود.

حضرت زهرا علیهاالسلام نیز واسطه الحاق و انتساب نسلش به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و انبیاء بود(113). امام موسی بن جعفر علیه السلام در مناظره با هارون الرشید می فرماید: «خداوند حضرت عیسی را از طریق مریم(س) به نسل انبیاء ملحق نمود و به همین گونه ما را از طریق مادرمان فاطمه علیهاالسلام به نبی اکرم صلی الله علیه و آله ملحق نموده است.»(114)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که خداوند متعال نسل هر پیامبری را در صلب خود آن پیامبر قرار داد و حال آنکه نسل مرا در صلب علی علیه السلام قرار داد(115).

24. عبادت و قنوت

قرآن در باره حضرت مریم می فرماید: «وَ كَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ»(116) و «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ»(117). طبق دلالت آیات یاد شده آن حضرت دارای دوام طاعت، نماز، طول قیام و دعا بود. ابن خلدون می نویسد مریم چنان در عبادت پای فشرد که به او مَثَل می زنند(118).

عبادت و مداومت حضرت زهرا علیهاالسلام در طول عمر کوتاهشان بر قیام، نماز و دعا زبانزد است. امام حسن علیه السلام در این باره می فرماید: «مادرم فاطمه علیهاالسلام را دیدم که در شب جمعه ای در محراب عبادت

ایستاده بود و مرتب در حال رکوع و سجود بود تا سپیده صبح آشکار شد و می‌شنیدم که مردان و زنان مؤمن را دعا می‌فرمود...»(119).

حسن بصری گوید: در این امت عابدتر از فاطمه زهرا علیهاالسلام پیدا نمی‌شود، آن قدر در عبادت بر سرپا می‌ایستادند تا پایشان ورم می‌کرد(120).

ابن فهد حلی در کتاب خود آورده است که صدیقه طاهره در نماز از ترس خدا نفس نفس می‌زد(121). از همه گویاتر اینکه دغدغه حضرت علیهاالسلام در شب عروسی، عبادت و قنوت پروردگار بود. امام علی علیه‌السلام می‌گوید در شب عروسی فاطمه را نگران و گریان دیدم، پرسیدم: چرا ناراحتی؟! حضرت زهرا علیهاالسلام پاسخ داد: پیرامون حال و امر خویش فکر کردم که هنگام مرگ و سرازیر شدن به قبر چگونه خواهد بود. امروز از خانه پدر به خانه شما منتقل شدم و روزی دیگر از اینجا به طرف قبر و قیامت خواهم رفت. پس تو را به خدا سوگند بیا تا به نماز بایستیم و با هم در این شب خدا را عبادت کنیم(122). قیام، عبادت و قنوت فاطمه علیهاالسلام به حدی بود که بنا به فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله آیه شریفه: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا...»(123) در شأن ایشان نازل شد(124).

25- خدمتگزار خدا

حضرت مریم به دلیل نذر مادرش خدمتگزار خداوند و خانه او بود: «إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا»(125). فاطمه زهرا علیهاالسلام نیز با عرفان، آگاهی و عشق، خدمتگزار خداوند بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی از دخترش پرسید: «فاطمه! چه درخواست و حاجتی داری؟ هم اکنون فرشته وحی در کنار من است و از طرف خدا پیام آورده تا هر چه بخواهی تحقق پذیرد. فاطمه علیهاالسلام پاسخ داد: لذتی که از خدمت خدا می‌برم مرا از خواهش کردن از او باز داشته است، حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبای والای خداوند باشم»(126).

26- حضور عبادی در جمع مردان

خداوند به حضرت مریم امر نمود که: «وَارْكَبِي مَعَ الرَّاٰكِبِيْنَ»(127). لازمه اجرای این دستور، حضور در اجتماع مردان نمازگزار بود و مریم این دستور را امتثال نمود و با راهبان در معبد به نماز و رکوع پرداخت. فاطمه زهرا علیهاالسلام نیز برای انجام رسالت الهی و تحقق اهداف پیامبر صلی الله علیه و آله و دفاع از حق و امامت علی علیه‌السلام، با حضور در برخی اجتماعات مردان به وظایف الهی خود پرداخت.

27- برگزیدگی و برتری بر زنان

حضرت مریم برتر از زنان زمانش بود، اما فاطمه زهرا علیهاالسلام برترین زنان از اولین تا آخرین است. خداوند درباره حضرت مریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ»(128). درباره اصفای اول در آیه فوق گفته‌اند گزینش برای تطهیر و رسالت الهی و اصفای دوم - که همراه با حرف «علی» است -

گزینش و برتری دادن بر زنان می‌باشد(129).

درباره برتری فاطمه زهرا علیهاالسلام بر تمام زنان جهان از اولین تا آخرین ایشان روایات متعددی وجود دارد(130). روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله رسیده که فرمود: «مریم سیده نساء عالم خود بود، اما فاطمه سیده نساء عالمین از اولین تا آخرین است و به تحقیق چون او در محرابش به عبادت می‌ایستد، هفتاد هزار فرشته مقرب به او سلام می‌دهند و با همان ندایی که به مریم می‌دادند خطاب به فاطمه ندا می‌دهند که ای فاطمه! خدا تو را برگزید و تطهیر نمود و تو را بر زنان عالمین برتری داد(131).

ابن ابی الحدید از دانشمندان اهل سنت می‌گوید: سخن پیامبر که فرمود فاطمه علیهاالسلام برترین زن عالم است نص و قطعی است(132).

28- محدّثه و نزول فرشتگان

مریم محدّثه بود و فرشتگان و جبرئیل بر او نازل می‌شدند و با او سخن می‌گفتند: «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ...»(133)؛ یعنی یاد آر زمانی که فرشتگان به مریم گفتند: ای مریم خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خود بشارت می‌دهد... و یا «... قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِإِثْبَاتِ لَكَ غُلَامًا زَكِيًّا...»(134) و «يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»(135).

فاطمه زهرا علیهاالسلام نیز محدّثه بود؛ چون فرشتگان و جبرئیل بر او نازل شده، با او سخن می‌گفتند. در این باره روایات بسیار و متواتر معنوی وجود دارد و بزرگان اهل سنت با نقل روایات بر صحت مطلب اعتراف کرده‌اند(136).

از جمله روایات اینکه امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «به این جهت فاطمه زهرا علیهاالسلام را محدّثه نامیده‌اند که فرشتگان از آسمان بر ایشان نازل می‌شدند و همانند مریم به او ندا می‌دادند که ای فاطمه إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ یا فاطمه اِقْنَتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ». مصحف فاطمه حاصل گفت و گوی فرشته مقرب با آن حضرت بود(137).

29- تسلی و رفع حزن به وسیله جبرئیل و فرشتگان

حضرت مریم پس از باردار شدن و تنهایی و خوف از زبان مردم، دچار حزن و اندوه گردید. در این حال ندایی آمد که ای مریم اندوهگین مباش، «فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي...»(138). برخی از مفسران ندا دهنده را حضرت مسیح که در بطن مریم بود دانسته‌اند(139) و برخی گفت‌ه‌اند فرشته یا جبرئیل ندا داد(140).

حضرت زهرا پس از وفات پدر دچار حزن و اندوه شدیدی شد. خداوند متعال برای کاستن حزن و اندوه آن بانو و تسلی دادن به وی فرشتگان و جبرئیل را بر وی نازل می‌نمود تا به او تسلی دهند و از حزن او بکاهند(141): «... و کان جبرئیل یأتیها فیحسن عزاءها علی ابیها و یطیب نفسها و یخبرها عن أبیها و مکانها...»

30- کرامت و تصرف تکوینی

حضرت مریم به اذن پروردگار درخت خرماى خشکیده را جنباند و بلافاصله درخت میوه‌دار شد و خرماى تازه آورد و مریم از آن تناول نمود: «وَهُزَّى إِلَيْكَ بَجِدْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا» (142) شاخه این نخل را به سوى خود تکان ده، رطب تازه بر تو فرو ریزد.

حضرت فاطمه علیهاالسلام نیز دارای کرامات و معجزه‌های بسیاری بود که نشان از تصرف تکوینی آن بانو داشت؛ مانند چرخش سنگ آسیاب (143)؛ و گردش گهواره (144) و آماده شدن غذا (145) بدون آنکه دست انسانی در کار باشد.

اباذر نقل می‌کند: «رسول خدا مرا فرستاد تا على علیه‌السلام را خدمت ایشان دعوت کنم، چون به خانه على علیه‌السلام رفتم و صدا زدم کسی جواب مرا نداد، اما دیدم سنگ آسیاب خود به خود می‌چرخد و گندم را آرد می‌نماید و هیچ کس نیز در کنار آن نیست، پس بازگشتم و خدمت رسول الله صلى الله عليه وآله عرض کردم چیزی دیدم که نمی‌فهمم! من در شگفتم که سنگ آسیاب در خانه على علیه‌السلام می‌چرخد و هیچ کس نیز با آن نبود تا بچرخاند.

پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: هر آینه خداوند قلب دختر مرا پر از یقین و وجودش را پر از ایمان نموده است و خداوند از ضعف او خبر دارد؛ لذا به او کمک می‌کند و کفایت کارهایش را می‌نماید. آیا تو نمی‌دانی که خداوند فرشتگانی دارد که کمک‌کار آل محمد صلى الله عليه وآله هستند؟!» (146)

31. دریافت غذای بهشتی

از کرامات حضرت مریم (س) این بود که غذای بهشتی از جانب خداوند دریافت می‌کرد: «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (147). فاطمه زهرا علیهاالسلام نیز در موارد متعددی غذاهای بهشتی دریافت نمود (148). در احادیث آمده است که در یکی از روزهای سخت زندگی که گرسنگی بر خاندان پیامبر صلى الله عليه وآله فشار آورد فاطمه علیهاالسلام وضو گرفت و دست به دعا برداشت و پس از خواندن دو رکعت نماز از خداوند درخواست مائده‌ای از آسمان نمود. ناگهان ظرفی از غذا و طعام بهشتی نازل شد که بوی عطر آن، منزل على علیه‌السلام را معطر ساخت. امام على علیه‌السلام پرسید: اتی لک هذا؟ حضرت پاسخ داد: هو من عند الله.

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله که خبردار شد فرمود: حمد و ستایش خداوندی را که دختری به من عطا فرمود مانند حضرت مریم که «هرگاه زکریای پیغمبر در محراب عبادت او حاضر می‌شد، پیش او خوردنی می‌یافت. می‌گفت: اینها از کجاست؟

مریم جواب می‌داد: از جانب خدا» (149).

این ماجرا را زمخشری در کشاف نقل کرده است.

32. ایجاد شگفتی در پیامبر

حضرت زکریا چون وارد محراب حضرت مریم گردید، مشاهده نمود که غذای زمستانی در تابستان و غذای

تابستانی در زمستان نزد مریم است؛ از این واقعه به شگفت آمد، لذا پرسش نمود. «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا...» (150).

فاطمه علیها السلام نیز کرامات بسیاری داشت و یا گفتار و رفتاری از آن بانو اظهار می‌شد که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (151) یا علی علیه‌السلام (152) و گاهی اصحابی چون سلمان و اباذر (153) را به شگفتی وامی‌داشت.

33- مکرمات امیدبخش

حضرت زکریا علیه‌السلام با مشاهده مائده بهشتی نزد حضرت مریم و شنیدن جمله آن زن که فرمود: «يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (154) امیدوار شد و با خود اندیشید حال که چنین است، رزق یک فرزند از جانب خدا به وی نیز ممکن خواهد بود؛ لذا در سن پیری با این امید درخواست فرزند نمود (155).
زهره علیها السلام نیز دارای کرامات و توجهات خاص الهی بود که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، علی علیه‌السلام و به ویژه اصحاب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مانند سلمان، اباذر و مقداد را امیدوار می‌نمود و به آنان دلگرمی می‌بخشید.

34- مصائب و سختیها

مصائب و سختیها در مسیر کمال عامل مؤثری بوده، در تقرب به خداوند نقش روشنی دارد، لذا خداوند تمام اولیاء خود را به مصائب و سختیهای خاص مبتلا می‌نماید. امام صادق علیه‌السلام از قول علی علیه‌السلام فرمود: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءَ النَّبِيِّينَ ثُمَّ الْوَصِيِّينَ ثُمَّ الْأَمْثَلِ فَالْأَمْثَلِ...» (156).
حضرت مریم متحمل مصائب و بلاهای زیادی شد. سخت‌ترین آنها عبارت بود از دوری از مادر و پدر در تمام دوران زندگی، خدمتگزاری بیت‌المقدس از کودکی، تهمت و سوء ظن مردم در عین پاکی، بارداری و زایمان در تنهایی و غربت، نداشتن محل استراحت و غذا و پناه بردن به کنار درخت خرما، نگهداری کودک بدون پدر با آن برخوردها و نگاههای بد مردم.
اما مصائب و سختیهای فاطمه علیها السلام از دوران کودکی حد و حصری نداشت. در بطن مادر تنهایی و نگرانی و حزن مادر را درک می‌نمود (157) و چون چشم به دنیا گشود، شاهد اذیت و آزار پدر بود (158). چندی نگذشت که خود را در کنار پدر در شعب ابی طالب متحمل سختیها دید و غم و رنج پدر را با خود تقسیم می‌نمود و در بیم و هراس پدر از مکه هجرت نمود. رنجهای پدر در مدینه به ویژه جنگ احد (159) را به عنوان نزدیک‌ترین زن به پدر بر خود هموار نمود تا نوبت به وفات پدر بزرگوارش رسید. وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با حزن، گریه، مصائب، رنجهای طاقت فرسا و قتل فرزندش محسن شروع شد و به آرزوی مرگ و شهادت آن بانو انجامید.

35- قذف و نسبت ناروا

مردم نادان حضرت مریم را قذف نمودند و نسبتهای ناروایی به ایشان دادند. این قذف به رغم آگاهی آنان به پاکی

خاندان و شرافت حضرت مریم بود: «قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا. يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا» (160).

ای مریم به راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده‌ای، ای خواهر هارون! پدر تو مرد بدی نبود و مادرت نیز بدکار نبود.

امام صادق علیه‌السلام نیز در روایتی طولانی درباره هفت گناه کبیره که در قرآن آمده و هر هفت مورد را برخی از نادانهای امت اسلامی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام مرتکب شدند می‌فرماید: «... اَمَّا قَذْفُ مُحْصَنَةٍ هَمَانِ اسْتِ كِهْ بَرَحِيْ بِرْ سِرْ مَنَابِرْ فَاطِمَهْ زَهْرَا عَلِيْهَا السَّلَامُ رَا قَذْفَ نَمُوْدَنْدَ وَ نَسَبَتَهَا نَادِرْسَتِيْ بِهْ اَيْشَانِ دَادَنْد...» (161).

36- آرزوی مرگ

حضرت مریم از شدت حزن و ترس از تکذیب مردم و افترا آرزوی مرگ نمود و از خداوند آن را درخواست کرد و فرمود: «يَا لَيْتَنِيْ مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا» (162).

حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام نیز از شدت حزن و رنج آرزوی مرگ نمود و از خداوند درخواست کرد هر چه زودتر مرگش را برساند: «الهي عَجِّلْ و فَاَتِيْ سَرِيْعًا». پروردگار نیز دعای او را اجابت نمود (163).

37- سکوت و تحریم سخن

حضرت مریم به امر پروردگار در مواجهه با اهانت مردم نادان و مغرض روزه سکوت گرفت و سخن گفتن با آنان را تحریم نمود: «فَلَنْ اُكَلِّمَ الْيَوْمَ اِنْسِيًّا» (164).

فاطمه زهرا علیها‌السلام نیز پس از شنیدن اهانت برخی از منبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد آن حضرت و اهانت برخی دیگر در آستانه مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و تکذیب دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ، نسبت به آن دو سکوت اختیار نمود و آنان را از گفت و گو با خود تحریم نمود و فرمود هرگز با آنان سخن نخواهم گفت: «فَلَنْ اَكَلِمَ مِنْ رَاسِ كَلِمَةً» (165).

38- غسل صدیقه به دست صدیق

حضرت مریم(س) پس از فوت به وسیله عیسی علیه‌السلام غسل داده شد. حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام نیز به دست حضرت علی علیه‌السلام غسل داده و کفن و دفن شد. مفضل از اصحاب بزرگ امام صادق نقل می‌کند که از آن حضرت پرسیدم چه کسی فاطمه زهرا علیها‌السلام را غسل داد؟ فرمود: امیرالمؤمنین علیه‌السلام . مفضل می‌گوید من این مطلب برایم بزرگ آمد و تعجب کردم؛ لذا حضرت فرمود: گویا از آنچه به تو گفتم دلتنگ شدی؟

عرض کردم: آری چنین است فدایت شوم.

حضرت فرمود: دلتنگ مباش؛ زیرا فاطمه علیها‌السلام صدیقه بود و جز صدیق نباید او را غسل دهد، مگر

نمی‌دانی که مریم را جز عیسی کسی غسل نداد(166).

39- اشتیاق به بهشت

در روایات آمده است که فاطمه زهرا علیهاالسلام و حضرت مریم دو زن از چهار زن بهشتی هستند(167) که بهشت مشتاق آنان است: «اشتاق الجنة الى اربع من النساء: مریم بنت عمران و آسیة بنت مزاحم زوجة فرعون و خديجة بنت خويلد و فاطمة بنت محمد.»(168)

40 - بهشت جایگاه ابدی

آیات قرآن و عصمت و سیره حضرت زهرا علیهاالسلام و مریم(س) در این دنیا که روایات و تاریخ ثبت کرده، به خوبی جایگاه ابدی آن دو را نشان می‌دهد. افزون بر اینکه روایات اسلامی فراوانی وجود دارد که به صراحت، بهشتی بودن آنان را بیان می‌کند. روشنی مطلب به حدی است که آن را جزء ضروریات دین قرار می‌دهد. در روایات آمده است که اولین زن، بلکه اولین شخصی که وارد بهشت می‌شود حضرت زهرا علیهاالسلام است و بعد از آن جناب نوبت ورود زنان مقدس دیگری چون حضرت مریم(س) می‌رسد(169).

نتیجه گیری:

نکات زیر را می‌توان به عنوان مهم‌ترین نتایج تحقیق در مقاله حاضر بیان کرد:

- 1 - خداوند، مقدس اصیل است و اشخاص و اشیاء بر حسب انتساب خاص و تجلی خداوند در آنها و متجلی شدن خداوند به وسیله آنان از قداست نسبی برخوردار می‌باشند.
- 2 - حضرت مریم نزد همه مسیحیها با تمام اختلافاتی که میان آنها وجود دارد مقدس است و هیچ امری در دین مسیح نتوانسته قداست آن حضرت را بپوشاند.
- 3 - قرآن مبانی تقدس مریم(س) را صفات و ویژگیهایی در آن بانو بیان داشته است.
- 4 - تمام صفات حضرت مریم(س) که مبنای تقدس آن حضرت بود، به طریق اولی در حضرت زهرا علیهاالسلام وجود داشت. افزون بر اینکه فاطمه زهرا علیهاالسلام از صفات دیگری نیز برخوردار بود که به تنهایی می‌تواند منشأ تقدس باشد.
- 5 - عقده‌ها و کینه‌ها و جاه‌طلبیهای برخی از افراد در صدر اسلام باعث شد جریان قداست‌پوشی فاطمه زهرا علیهاالسلام بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آغاز شود و جهل و تعصب آن را استمرار بخشید.
- 6 - کتمان قداست زهرا علیهاالسلام نه تنها ظلم به آن حضرت بود، بلکه موجب ستم به اسلام و بشریت گردید و لوای اسلام در احترام کردن و تکریم زن و جایگاه والای زن در این آیین از مسلمانان گرفته شد. این در حالی است که در عالم غرب مدعی مسیحیت بسیاری از کوتاهیها نسبت به زن با شعار و لوای تقدس مریم پوشش داده شده است.

- 1 - ابن ابی الحديد، شرح نهج البلاغه، بيروت، دار احیاء الکتب العربیه، 1962 م.
 - 2 - ابن خلدون، العبر تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1363 ش.
 - 3 - ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم انتشارات علامه، بی تا.
 - 4 - ابن کثیر ابوالفداء اسماعیل، قصص الانبیاء، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1402 ق.
 - 5 - اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه، بیروت، دارالکتب الاسلامی، 1401 ق.
 - 6 - امینی، عبد الحسین احمد، الغدير فی الكتاب و السنة و الادب، بیروت، دارالکتب العربی، 1403 ق.
 - 7 - بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ق.
 - 8 - بی آزار شیرازی، عبدالکریم، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس علوم قرآن، قم، دارالقرآن الکریم 1373 ش.
 - 9 - تستری، نور الله، احقاق الحق، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
 - 10 - خمینی، روح الله، چهل حدیث، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا، 1368 ش.
 - 11 - دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1379 ش.
 - 12 - راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین، المفردات فی ترتیب القرآن، تهران، کتابفروشی مرتضوی، 1362 ش.
 - 13 - سلمانپور، محمد جواد، علی علیه السلام قرآن ناطق، تهران، نشر عابد، 1380 ش.
 - 14 - صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، علل الشرایع، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1385 ق.
 - 15 - صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، کتاب الخصال، قم، جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه، 1362 ش.
 - 16 - طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1392 ق.
 - 17 - طبرسی، ابی علی، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا، 5 ج.
 - 18 - طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1408 ق.
 - 19 - طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، تهران، المکتبه المرتضوی، 1362 ش.
 - 20 - کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، بی تا، 4 ج.
 - 21 - فعال عراقی، حسین، داستانهای قرآن و تاریخ انبیاء در المیزان، تهران، سبحان، 1378 ش.
 - 22 - قزوینی، محمد کاظم، فاطمة الزهراء من المهد الى اللحد، ترجمه دکتر حسن فریدونی، آفاق، 1404 ق.
 - 23 - مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ق.
 - 24 - نجمی، محمد صادق، سیری در صحیحین، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1359 ش.
- پی نوشت ها:
- 1 - بحار الأنوار، ج 43، ص 48، 49 و 77؛ ج 14، ص 201.
 - 2 - همان، ج 43، ص 77.
 - 3 - همان، ج 43، ص 48-49؛ ج 14، ص 197 و 206.
 - 4 - فاطمه از ولادت تا شهادت، ص 488. 5 - الغدير، ج 2، ص 61؛ مناقب، ج 4، ص 24. 6 - فاطمه از ولادت تا شهادت، ص 638.

- 7 - فاطمه، ص. 649
- 8 - مجموعه سخنرانيها و مقالات قرآني، ص. 82
- 9 - تاريخ ابن خلدون، ج 1، ص. 159
- 10 - قصص الأنبياء، ص. 376
- 11 - آل عمران / 33
- 12 - الخصال، ج 1، ص. 225
- 13 - البرهان في تفسير القرآن، ج 1، ص 277-278
- 14 - احزاب / 33
- 15 - ابراهيم / 24
- 16 - نور / 36
- 17 - الغدير، ج 3، ص. 107
- 18 - شوري / 23
- 19 - الغدير، ج 3، ص. 31
- 20 - همان، ج 3، ص. 350
- 21 - توبه / 119
- 22 - الغدير، ج 2، ص. 306
- 23 - واقعه / 10-11
- 24 - الغدير، ج 2، ص. 211
- 25 - فاتحة الكتاب / 6
- 26 - قصص قرآن در الميزان، ج 2، ص. 407
- 27 - آل عمران / 35
- 28 - قصص الأنبياء، ص. 352
- 29 - تاريخ ابن خلدون، ج 1، ص. 159
- 30 - الميزان، ج 3، ص. 184
- 31 - علل الشرايع، ص. 124
- 32 - قصص الأنبياء، ص. 352
- 33 - آل عمران / 35
- 34 - تاريخ ابن خلدون، ج 1، ص. 159
- 35 - بحار الأنوار، ج 14، ص. 194
- 36 - آل عمران / 37
- 37 - ضحى / 8
- 38 - بحار الأنوار، ج 43، ص. 49
- 39 - البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص. 473
- 40 - فاطمه از ولادت تا شهادت، ص. 439

- 41 - الخصال، ج 1، ص 206.
- 42 - بحار الأنوار، ج 43، ص 53.
- 43 - همان، ج 43، ص 28.
- 44 - همان، ج 43، ص 4.
- 45 - همان، ج 43، ص 2.
- 46 - الميزان، ج 3، ص 183؛ اصول کافی، ج 2، ص 484؛ بحار الأنوار، ج 14، ص 199.
- 47 - بحار الأنوار، ج 43، ص 4-5.
- 48 - همان، ج 43، ص 43.
- 49 - همان، ج 43، ص 3.
- 50 - آل عمران / 36.
- 51 - بحار الأنوار، ج 43، ص 10؛ علل الشرايع، ص 178.
- 52 - بحار الأنوار، ج 43، ص 13؛ علل الشرايع، ص 179.
- 53 - الغدير، ج 2، ص 295.
- 54 - آل عمران / 37.
- 55 - الميزان، ج 3، ص 173.
- 56 - مفردات راغب، ص 44؛ مجمع البحرين، ج 5، ص 258.
- 57 - مفردات راغب، ص 212.
- 58 - همان، ص 326؛ مجمع البحرين، ج 3، ص 469.
- 59 - فاطمه از ولادت تا شهادت، ص 553.
- 60 - زخرف / 28.
- 61 - قصص قرآن، ص 232.
- 62 - آل عمران / 36.
- 63 - آل عمران / 37.
- 64 - نور / 36.
- 65 - الميزان، ج 3، ص 174.
- 66 - آل عمران / 379.
- 67 - بحار الأنوار، ج 43، ص 12؛ علل الشرايع، ص 181.
- 68 - علل الشرايع، ص 182؛ كشف الغمه، ج 2، ص 25؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 81.
- 69 - بحار الأنوار، ج 14، ص 204.
- 70 - همان، ج 14، ص 192.
- 71 - البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 133.
- 72 - بحار الأنوار، ج 43، ص 16.
- 73 - همان، ج 43، ص 18.
- 74 - بنگريد به: فاطمه زهرا، از تولّد تا شهادت، ص 33-31.

- 75 - تحریم / 12.
- 76 - بحارالأنوار، ج 43، ص 64.
- 77 - كشف الغمه، ج 2، ص 40؛ بحارالأنوار، ج 43، ص 158.
- 78 - الميزان، ج 19، ص 346؛ مجمع البيان، ج 5، ص 320.
- 79 - تاريخ ابن خلدون، ص 161.
- 80 - مائده / 75.
- 81 - الغدير، ج 2، ص 312.
- 82 - علل الشرايع، ص 184.
- 83 - نساء / 68.
- 84 - تحریم / 12.
- 85 - بحارالأنوار، ج 43، ص 13.
- 86 - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد، ج 16، ص 212؛ بحارالأنوار، ج 43، ص 158.
- 87 - بحارالأنوار، ج 2، ص 3.
- 88 - بنگريد به: على قرآن ناطق، ص 86.
- 89 - بحارالأنوار، ج 43، ص 8.
- 90 - آل عمران / 42.
- 91 - احزاب / 33.
- 92 - (خطيب بغدادی در تاريخ بغداد، زمخشری در تفسير كشاف، ج 1، ص 193، فخر رازی در تفسير، ج 2، ص 70، ابن اثیر در اسد الغابه، ج 2، ص 12، سبط ابن جوزی در كتاب تذكرة الائمة، امام واحدی در اسباب النزول، ابن صباغ مالکی در الفصول المهمة، ص 7، سیوطی در الدر المنثور، ج 5، ص 198، طبری در ذخائر العقبی، ص 21، قرطبی در الجامع لاحكام القرآن، ج 14، ص 182، ابن عربی در احكام القرآن، ج 2، ص 166، ابن عبد البر در الاستيعاب، ج 2، ص 460، بیهقی در السنن الكبرى، ج 2، ص 149، حاکم نیشابوری در المستدرک، ج 2، ص 416، امام احمد حنبل در مسند، ج 1، ص 331، نسائی در خصائص، ص 4، طبری در تفسير، ج 22، ص 5، خوارزمی در مناقب، ص 35، هیثمی در مجمع الزوائد، ج 9، ص 166 و ابن حجر در صواعق المحرقة، ص 85) به نقل از: فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت، ص 90.
- 93 - تاريخ ابن خلدون، ص 434.
- 94 - بحارالأنوار، ج 43، ص 15.
- 95 - (قندوزی در ینابیع الموده، ص 260، محمد صالح كشفى در مناقب، امرتسوی در ارجح المطالب، حافظ ابوبکر شافعی در تاريخ بغداد، ج 13، ص 331، ابن عساکر در تاريخ کبیر، ج 1، ص 319، حافظ سیوطی و رافعی در التدوین، طبری در ذخائر العقبی، و صفوری در نزهة المجالس، ص 227)، به نقل از: فاطمه از ولادت تا شهادت، ص 121.
- 96 - ینابیع الموده، ص 260.
- 97 - بحارالأنوار، ج 14، ص 197؛ قصص الانبیاء، ص 353.
- 98 - تحریم / 12.

- 99 - بحارالأنوار، ج 43، ص 20؛ الغدير، ج 2، ص 61.
- 100 - (حاکم در المستدرک، ج 3، ص 152، خطیب بغدادی در تاریخ خود، ج 3، ص 54، محب الدین طبری در ذخایر العقبی، ص 48، صدر الحفاظ کنجی شافعی در الکفایه، ص 222، سیوطی در إحياء المیت، ص 257، متقی هندی در کنز العمال، ج 6، ص 219 و 112 و شبلنجی در نورالابصار، ص 45) به نقل از: الغدير، ج 2، ص 62.
- 101 - الغدير، ج 3، ص 175.
- 102 - تحریم / 11. 103 - الغدير، ج 2، ص 61. 104 - آل عمران / 45.
- 105 - بحارالأنوار، ج 43، ص 48.
- 106 - همان.
- 107 - همان، ج 14، ص 207. البته درباره بارداری حضرت مریم(س) روایت معتبری داریم که چون به وسیله نفحه روح القدس حمل برداشت نه ساعت طول کشید هر ساعتی به اندازه یک ماه.
- 108 - مریم / 31-29.
- 109 - بحارالأنوار، ج 14، ص 207.
- 110 - احقاف / 15.
- 111 - اصول کافی، ج 2، ص 365؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 172.
- 112 - انعام / 85-84.
- 113 - بحارالأنوار، ج 43، ص 37.
- 114 - فاطمه از ولادت تا شهادت، ص 82.
- 115 - این روایت را خطیب بغدادی در تاریخ بغداد، ج 1، ص 316، خوارزمی در مناقب، ص 229، محب الدین طبری، حموی، ذهبی، ابن حجر مکی، متقی هندی، زرقانی و قندوزی از اهل سنت نقل کرده‌اند. (بنگرید به: فاطمه از ولادت تا شهادت، ص 83).
- 116 - تحریم / 12.
- 117 - آل عمران / 43.
- 118 - تاریخ ابن خلدون، ج 1، ص 160.
- 119 - علل الشرایع، ص 182.
- 120 - بحارالأنوار، ج 43، ص 76 و 84.
- 121 - فاطمه از ولادت تا شهادت، ص 221.
- 122 - ارشاد دیلمی، ج 1، ص 270.
- 123 - آل عمران / 191.
- 124 - بحارالأنوار، ج 43، ص 35.
- 125 - آل عمران / 35.
- 126 - فرهنگ سخنان فاطمه، ص 83.
- 127 - آل عمران / 43.
- 128 - آل عمران / 42.
- 129 - المیزان، ج 3، ص 188.

- 130 - بنگرید به: بحارالأنوار، ج 43، ص 22، 24، 26، 36، 37، 49 و 78.
- 131 - بحارالأنوار، ج 43، ص 49.
- 132 - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 15، ص 197.
- 133 - آل عمران / 45.
- 134 - مریم / 19.
- 135 - آل عمران / 42.
- 136 - بنگرید به: الغدير، ج 5، ص 49؛ بحارالأنوار، ج 43، ص 78.
- 137 - بنگرید: به علی قرآن ناطق، ص 86.
- 138 - مریم / 24.
- 139 - المیزان، ج 14، ص 43.
- 140 - بحارالأنوار، ج 14، ص 209.
- 141 - اصول کافی، ج 1، ص 346؛ بحارالأنوار، ج 43، ص 79.
- 142 - مریم / 25.
- 143 - بحارالأنوار، ج 43، ص 29.
- 144 - همان، ج 43، ص 45.
- 145 - همان، ج 43، ص 30.
- 146 - همان، ج 43، ص 29.
- 147 - آل عمران / 37.
- 148 - بحارالأنوار، ج 43، ص 27، 29، 31 و 77.
- 149 - همان، ج 35، ص 251؛ فرهنگ سخنان فاطمه، ص 261.
- 150 - آل عمران / 37.
- 151 - بحارالأنوار، ج 43، ص 91.
- 152 - همان، ج 43، ص 74، 60 و 31.
- 153 - همان، ج 43، ص 45-46.
- 154 - آل عمران / 37.
- 155 - المیزان، ج 3، ص 174.
- 156 - شرح چهل حدیث، ص 203.
- 157 - بحارالأنوار، ج 43، ص 2.
- 158 - صحیح بخاری، ج 1 و 5 به نقل از: سیری در صحیحین، ص 324.
- 159 - صحیح بخاری، ج 1، 4 و 5 به نقل از: سیری در صحیحین، ص 325.
- 160 - مریم / 27-28.
- 161 - الخصال، ص 364.
- 162 - مریم / 23.
- 163 - بحارالأنوار، ج 43، ص 177؛ احقاق الحق، ج 19، ص 16؛ فرهنگ سخنان فاطمه، ص 177.

164 - مریم / 26.

165 - تاریخ طبری، ج 3، ص 236؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 1، ص 134 و ج 2، ص 19؛ الغدير، ج 7،

ص 226 و 229؛ فرهنگ سخنان فاطمه، ص 248.

166 - اصول کافی، ج 1، ص 459؛ علل الشرايع، ص 184.

167 - الخصال، ص 206 و 235.

168 - بحار الأنوار، ج 43، ص 53.

169 - همان، ج 43، ص 52.